



قرآن؛ سخن هنرمندانه خداوند/ هنر اصیل هنر تنزیلی است

آیت‌الله العظمی جواد آملی عقل و نقل را دو چراغ برای شناخت وحی برشمرد و عنوان کرد: قرآن سخن تنزیلی و هنرمندانه خداوند است، آنچه از غرب آمده هنر نازل است در حالی که هنر اصیل هنر تنزیلی است؛ این هنر است که می‌تواند هنرمند پرورش دهد.

آیت‌الله العظمی جواد آملی:

قرآن؛ سخن هنرمندانه خداوند/ هنر اصیل هنر تنزیلی است

آیت‌الله العظمی جواد آملی عقل و نقل را دو چراغ برای شناخت وحی برشمرد و عنوان کرد: قرآن سخن تنزیلی و هنرمندانه خداوند است، آنچه از غرب آمده هنر نازل است در حالی که هنر اصیل هنر تنزیلی است؛ این هنر است که می‌تواند هنرمند پرورش دهد.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، آیت‌الله العظمی عبدالله جواد آملی، چهارشنبه، 25 بهمن‌ماه، در دیدار با اعضای برگزار کننده همایش قرآن کریم و هنر، با بیان این مطلب که هدف از ایجاد مدرسه هنر اسلامی، باید مشخص باشد، اظهار کرد: چرا که اگر هدف از هنر صرفا علم باشد، قطعا، اسلامی است؛ زیرا چیزی به نام علم غیر دینی نداریم؛ ولی وقتی تفکر الحادی داشته باشیم که این باعث شود دین افسانه انگاشته شود چیزی به نام علم دینی و در نهایت هنر دینی نخواهیم داشت.

وی افزود: در همایشی در مالزی در خصوص همین بحث علم دینی بحثی صورت گرفت، یکی از سخنرانان با حالت شوخی و خنده علم دینی را انکار کرد؛ ولی مشکل او این بود که در این مسئله اول باید خود مسئله را حل می‌کرد و بعد، بحث را جهت دهی می‌کرد؛ واقعیت این است که وقتی کسی مسئله دین را فهمید از راه‌های مختلف به جواب می‌رسد ولی وقتی مسئله را متوجه نشد از هر راهی که برود به مقصود نمی‌رسد.

این مفسر قرآن کریم، اظهار کرد: در اینجا باید حل شود که آیا هنر علم است یا خیر که اگر علم است، قطعا اسلامی است؛ در این بین در مرحله اول باید مرز بین علم دینی و عمل دینی را مشخص کرد؛ علم دینی با ظواهر به دست نمی‌آید؛ با صرف تفکیک جنسیتی که عملی دینی است و یا بسم الله گفتن سرکار و درس‌ها نمی‌توان دانشگاه را اسلامی کرد بلکه بین علم و عمل تفاوت است؛ مهم علم دینی است که باید متن علم را دینی کرد.

وی با اشاره به این مطلب که تفکر الحادی، دین را در دایره افسانه‌ها بیان می‌کند، عنوان کرد: آنها هستند که علم و دین را از هم جدا می‌کنند؛ این تفکر، دین را افسانه می‌داند ولی تفکر توحیدی تمام موجودات و مخلوقات و زمین و آسمان و جهان را از خدا می‌داند و با این رویکرد به تجزیه و تحلیل می‌پردازد.

آیت‌الله جواد آملی تصریح کرد: تفسیر علمی است که در آن لحظه به لحظه می‌گوییم که خدا چنین گفت و... حال چگونه است که شرح نقل خدا، علم دینی است ولی شرح فعل خدا دینی نیست؟ یقینا شرح فعل خداوند نیز دینی است که از آن جمله خلق این جهان و علوم و اسرار نهفته در آن است؛ این افراد تفکر و عقل خود را مقابل وحی و خدا قرار می‌دهد در حالی که عقل، در مقابل نقل است، نه وحی.

وی اظهار کرد: مگر می‌شود فردی چیزی را بفهمد و برایش حجت نباشد؟ ولی ما می‌گوییم که این علم برای ماست در حالی که نمی‌دانیم انسان دارای دو چراغ برای فهم وحی است که یکی حجت درونی است و دیگری بیرونی؛ غرب چون عقل را مصادره کرده است فکر می‌کند که در مقابل وحی است؛ عقل و نقل دو چراغ برای شناخت وحی هستند؛ قرآن سخن تنزیلی از جانب خداوند است به عبارتی قرآن کریم سخن هنرمندانه خداوند است؛ این هنر است که می‌تواند هنرمند پرورش دهد.

نویسنده کتاب «مفاتیح الحیة»؛ 171#& با بیان این مطلب که آنچه از غرب آمده هنر نازل است، تصریح کرد: این در حالی است که هنر اصیل هنر تنزیلی است؛ مثلا منوچهری دامغانی که در تبدیل تخیل به حس استاد بود با حافظ و مولوی از شاعران بزرگ این سرزمین هستند ولی شعر دامغانی به دلیل در نظر گرفتن همین اصل، هنر نازل و حافظ و مولوی، هنر متنزل، را ارائه کردند؛ مولوی می‌گوید که هنر از آن عارف است نه فیلسوف، عارف دائم جهنم را می‌بیند و زوزه سگان آن را می‌شنود.

وی اظهار کرد: ما نیز در این عرصه باید همچون ادبیات عمل کنیم که مطلب معقول را ابتدا خوب می‌فهمند و بعد به مخیله آورده و آنجا با ابزار خیال ساماندهی می‌کنند؛ خیال، مخزن صدور حس است؛ اگر این روند طی شود، خروجی آن به حس و هنر دینی منتج می‌شود؛ پس هنر، اگر علم است، اسلامی است و اگر هست، باید متنزل باشد.

این مفسر قرآن کریم، در ادامه هنر امروز را دور باطل بین حس و خیال عنوان کرد و گفت: این هنر دینی است که باید جزو صادرات انقلاب ما باشد؛ خوشبختانه ایران ما نیز از این حیث دست خالی نیست؛ ابوریحان بیرونی در همین زمینه بیان می‌دارد که بزرگان از علمای ما مراقب حیات توحیدی بودند، کما اینکه این نوع نگاه در یونان نیز کشته‌هایی چون سقراط داد ولی در هند چون نتوانستند مواظب این حیات باشند، به گوساله‌پرستی روی آوردند و امروز نیز با این همه تحول و حضور در عصر علم، در هند شاهد چنین مسایلی هستیم؛ ایرانی‌ها اگر کشته هم ندادند، به این روزگار نیفتادند و مراقب حیات توحیدی خود بودند؛ علامه حلی بیان می‌کند که شعری که یونانیان می‌خواندند، وزن نداشت و وزن و آهنگ شعر به ایرانیان بر می‌گردد که البته اعراب نیز شعر آهنگین می‌سرودند؛ وقتی قصه‌ای چون لیلی و مجنون با این همه ظرفیت وجود دارد، هنرمندی چون مولوی باید آن را به شعری ملکوتی تبدیل کند، نه اینکه این قصه به دست هر کسی افتاد به آن پردازد.

وی اظهار کرد: با تکیه به ظاهر نمی‌توان هنر را دینی کرد؛ بلکه تولید و ارایه‌اش باید اسلامی باشد؛ هم محتوای دینی مهم است و هم کیفیت ارایه؛ یعنی نباید کسی این را ارایه دهد که خودش شخصیت و محتوای دینی ندارد؛ در این امر نیز حوزه باید کاملاً حضور داشته باشد.